

یادگیری موفقیت از طبیعت

فیزیکدانان معتقدند جهان هستی، توده‌ی بزرگی از انرژی است که با سرعت‌های مختلفی، در حال ارتعاش است. وقتی اندیشه‌ای در ذهن دارید، مغز شما انرژی و ارتعاش می‌سازد و از طرفی، چون برای هر عملی عکس العملی است، بابت هر اندیشه در ذهنمان یک عکس العمل نتیجه به وجود می‌آید. طبیعت را الگوی خود قرار دهید و با یادگیری از طبیعت به موفقیت برسید.

انسان می‌تواند در طول روز پنجاه هزار اندیشه خلق کند.

افلاطون می‌گوید: واقعیت توسط ذهن خلق می‌شود و با تغییر ذهن، می‌توان واقعیت را تغییر داد و مارکوس اورلیوس در این زمینه می‌گوید: زندگی هر فرد ساخته‌ی اندیشه هایش است.

شما نیز جزئی از این جهان هستید، جزئی نه کمتر از ستارگان و نه کمتر از درختان، این حق شماست که در این جهان باشید، چه قبول کنید و چه نکنید، دنیا به همان شکلی است که باید باشد.

طبیعت، همواره کارهایش را به موقع انجام می‌دهد، درخت یک شبه رشد نمی‌کند، الماس یک هفته‌ای الماس نمی‌شود. پس برای ارزشمند و باشکوه شدن، زمان لازم است. پس بیاییم با یادگیری از طبیعت، مسیر رشد را همان طور که هست بپذیریم. زندگی ما باید در یک چرخه جریان داشته باشد. همان طور که بعد از زمستان سخت بهار می‌آید. طبیعت هم گاهی اوقات نیاز به استراحت دارد همچون خاک. خرس ها و مارها هم به خواب زمستانی می‌روند، پس استراحت را یک نیاز و یک ضرورت بدانید، نه یک هدف و یادگیری از طبیعت را فراموش نکنید.

از بچه ها بیاموزیم

عشق، یعنی در وجود انسان ها به دنبال خوبی بگردیم و اگر قادر به انجام چنین کاری باشیم و آن را همواره انجام دهیم، آن گاه شادی و سعادت خود را تضمین خواهیم کرد. چون زندگی ما بازتابی از وجود خود ماست، هر چقدر عشق و زیبایی بیشتری دریافت کنیم، تکامل و رشد، بیشتر خواهد شد. بنابراین برای ما عشق یعنی همه چیز.

بچه‌ها در قیاس با بزرگتر ها بیشتر می‌توانند اوقات خود را به شادی و نشاط سپری کنند. آن‌ها می‌دانند که چگونه بخندند و برای خندیدن بهانه‌ای ندارند. هر چیزی را به سادگی می‌پذیرند و از قدرت تخیل بسیار بالایی برخوردار هستند. بچه‌ها تا به خواسته‌هایشان نرسند مایوس نمی‌شوند و دست بردار نیستند. پس اوقات بیشتری را با بچه‌ها سپری کنید و از آن‌ها چیزهای بیشتری درمورد قدرت خندیدن، تخیل و انعطاف پذیری بیاموزید.

پیوسته در حرکت باشیم

کشتی‌هایی که به دریا می‌روند، نسبت به کشتی‌هایی که در بندر و ساحل لنگر انداخته‌اند، عمری به مراتب طولانی‌تر دارند. نکته‌ی اصلی این است که پیوسته در حرکت باشیم، افکار خود را وسعت دهیم و بیاموزیم، تا وقتی در جنب و جوش باشیم دیگر وقتی برای نگرانی نیست. رمز شادی و تکامل در کار و حرکت است.

جهان هستی، همواره ما را به تکاپو و مشغول بودن ترغیب و تشویق می‌کند. فقط زمانی می‌توانید چیزی را که داریم برای خود نگه داریم که نهایت استفاده از آن را بکنیم. آرامش خود را حفظ کنید و بگذارید همه چیز روال عادی‌اش را طی کند.

از لحاظ علمی، تا وقتی آرامش داشته باشیم، ریتم امواج مغزی در یک حالت آرام قرار می‌گیرد یعنی امواج آلفا را نشان می‌دهد و در چنین حالتی فرد، توانایی و خلاقیت بیشتری از خود نشان می‌دهد و به نتایج بهتری می‌رسد. ما می‌توانیم از طبیعت الهام بگیریم، حتی پرندگان و حیوانات هم کل شبانه روز کار نمی‌کنند. آنها برای هر چیزی حدی قائل می‌شوند. هرگز گنجشک‌ها شب کاری نمی‌کنند.

زمانی شادی و شور و حال بیشتری برای زندگی خواهیم داشت که نگران نتیجه ی نهایی نباشیم، برای رسیدن به اهدافتان جدیت به خرج دهید و کوشش کنید ولی خود را اسیر نکنید.

در یک کلام

همراه شدن در مسیر طبیعی امور و استراحت دادن به خود، به اندازه‌ی خود فعالیت اهمیت دارد. همان طور که کلود دوباسی می‌گوید:

موسیقی، فضای میان نت‌هاست. اگر فکر کنید از تمام چیزهایی که اتفاق می‌افتد آگاهید، اشتباه بزرگی را مرتکب شده‌اید. انیشتین می‌گوید: هر چی بیشتر می‌دانم، بیشتر متوجه این موضوع می‌شوم که چیزی نمی‌دانم.

ذهن یک معجزه است. توانایی و قدرت آن برای نفوذ در ناشناخته‌ها و بدست آوردن نتیجه، در واقع ورای فهم و درک ماست.

زندگی ملالت بار نیست ، بلکه کسالت و ملال در وجود انسان هایی است که از پس عینک تیره بدبینی به زندگی نگاه می‌کنند . خیلی از انسان‌ها در بیست و پنج سالگی می‌میرند اما فقط تا هفتاد سالگی دفن نمی‌شوند. بعضی‌ها به هر چه می‌نگرند آن را پر از زیبایی و سحر و اعجاز می‌بینند، در حالی که عده ی دیگر هرگز آن‌ها را نمی‌بینند.